

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی  
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۳، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳۱  
صص ۵۷-۶۸

## مقایسه سبک‌های فرزندپروری، دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم

گیتی شهبازی، کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور ایلام، ایران  
قباد بهامین، استادیار، گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور واحد تهران، ایران\*  
شهرام مامی، استادیار، گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایران

### چکیده

هدف این پژوهش مقایسه سبک‌های فرزند پروری، دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم شهر ایلام است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زندانیان محکوم به جرایم عمومی و جوانان عادی شهر ایلام است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۲۸۰ (۱۴۰ نفر از هر گروه) به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش شامل پرسشنامه اقتدار والدین (Buri, 1991)، پرسشنامه دشواری در نظم بخشی هیجانی (Gratz & Romer, 2004) و پرسشنامه تاب‌آوری (Conner & Davidson, 2003) است. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های فرزند پروری، دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم در سطح  $P < 0.01$  تفاوت معناداری وجود دارد، با توجه به تأثیر مؤلفه‌های فوق در پدیده گرایش به جرم در بین جوانان توجه به آن‌ها گامی مهم در راستای کاهش این پدیده مخرب اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، دشواری در تنظیم هیجان، تاب‌آوری، جوانان، جرم

## مقدمه و بیان مسأله

توجه به مسائل جوانان همیشه از کانونی‌ترین موضوعات محسوب شده است. در این دوره از چرخه زندگی به دلایل روان‌شناختی فردی و مختصات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و در حاشیه بودن جوانان، احتمال شکل‌گیری گرایش‌های کجروانه بیشتر می‌شود (عبدلهی و موسوی، ۱۳۸۶). یکی از مؤلفه‌هایی که تأثیر زیادی بر جرم در جوانان دارد عامل نقص در تنظیم هیجان است که در برخورد با محیط رشد دهنده، تکوین می‌یابد و در غیر این صورت به همان شکل اول می‌ماند. نقص در تنظیم هیجان عاملی است که می‌توان در کودکی شکل بگیرد و تا بزرگسالی وجود داشته است و مشکلاتی ایجاد کند (Gratz & Romer, 2004) نیز نظم بخشی هیجانی در بر گیرنده چهار مؤلفه می‌دانند: ۱) آگاهی از هیجانات و فهمیدن آن‌ها؛ ۲) پذیرش هیجانات؛ ۳) توانایی کنترل رفتارهای تکانشی و رفتارکردن مطابق با اهداف مطلوب در زمانی که هیجان منفی تجربه می‌شود؛ ۴) توانایی کاربرد انعطاف‌پذیر تدابیر نظم بخشی هیجانی متناسب با موفقیت به منظور تنظیم مطلوب پاسخ‌های هیجانی دستیابی به اهداف شخصی و احترام به در خواست محیطی است. هیجان‌ها در خدمت اهداف هستند و تنظیم هیجان از طریق مهار و مدیریت هیجان‌های ناخوشایند و دردآور به دستیابی به اهداف کمک می‌کنند (Vims & Pina, 2010). تاب‌آوری به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پدیده جرم است. والرا (2001) تاب‌آوری را سازگاری مثبت فرد در واکنش به شرایط ناگوار (آسیب‌ها و تهدیدات) می‌داند. البته تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدید کننده نیست و حالتی انفعالی، در رویارویی با شرایط خطرناک نیست. بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود است (Conner & Davidson, 2003). بونانو<sup>۲</sup> (2004) کامپفر<sup>۳</sup> (1999) معتقد است تاب‌آوری یا بازگشت به تعادل پایه است یا رسیدن به

تعادلی در سطح بالاتر (در شرایط تهدید کننده) وقاعدتاً باید موجبات سازگاری موفق در زندگی را فراهم آورد و یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در ارتکاب جرم از سوی جوانان آن‌ها را از بسیاری فرصت‌های مثبت و سازنده محروم می‌سازد، شیوه‌های فرزندپروری است که تأثیر زیادی بر دشواری در تنظیم هیجان با تاب‌آوری در امر ارتکاب جوانان به جرم مورد نظر قرار گرفته است. منظور از سبک فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندانشان است (Baumrind, 1991). فرزندپروری مقتدرانه: مناسب‌ترین روش فرزندپروری است، والدین مقتدر درخواست‌های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر این‌که کودک باید از آن‌ها تبعیت کند، به اجرا می‌گذارد. در عین حال صمیمیت و محبت نشان می‌دهند. صبورانه به نقطه نظر فرزندان‌شان گوش می‌دهند و مشارکت در تصمیم‌گیری خانوادگی را ترغیب می‌نمایند. فرزندپروری مستبدانه: والدینی که از این سبک استفاده می‌کنند نیز متوقع هستند ولی برای پیروی کردن آن چنان ارزش زیادی قائلند که فرزندان‌شان دوست ندارند پیروی کنند. والدین انتظار دارند فرزندان‌شان بدون چون و چرا از دستورات پیروی کنند و کمتر با آن‌ها به گفتگو می‌پردازند. سبک آسان‌گیرانه: والدین مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند و از هر گونه اعمال کنترل خودداری می‌کنند، والدین آسان‌گیر بچه‌هایشان را در هر سنی ولو این‌که قادر به تصمیم‌گیری نیستند، آزاد می‌گذارند و بر تصمیم‌گیری‌های آن‌ها نظارتی اعمال نمی‌کنند (پاپالیا<sup>۴</sup>، ۱۳۸۳). داشتن جامعه سالم مستلزم وجود جوانان و خانواده‌های سالم است که دستیابی به آن از ایجاد بسیاری از مشکلات و مسائل موجود در اجتماع پیشگیری می‌کند و بالندگی جامعه را به دنبال دارد. جرم واقعی است که در حوزه مشکلات

<sup>1</sup> Valer<sup>2</sup> Bonanno<sup>3</sup> Campfer<sup>4</sup> Papala

همین دلیل، پرداختن به مسائل جوانان باید در اولویت قرار گیرد، علی‌الخصوص در شرایطی که جوانان نزدیک به نیمی از جمعیت حوزه مطالعه و بیش از ۷۰٪ زندانیان شهر ایلام را به خود اختصاص داده‌اند. جوانان سرمایه‌های مادی و معنوی یک جامعه محسوب می‌شوند و ارتکاب جرم و شیوع گسترده آن در بین آن‌ها می‌تواند به مثابه یکی از موانع عمده توسعه عمل کند (ایار، ۱۳۸۸). با توجه به نکات پیش گفته شده لزوم بررسی عوامل مؤثر برای ارتکاب جرم در بین جوانان روشن می‌شود. جدال دراز مدتی بر سر این‌که کدام مدل یک یا دو عامل توصیف کننده هیجان هستند، وجود دارد. طرفداران مدل‌های دو عاملی بحث می‌کنند که هیجان‌ها از نظر ادراکی از تنظیم هیجان متفاوت است. زیرا هیجان‌ها می‌توانند فشاری متفاوت روی رفتاری که شخص آن را کنترل می‌کند، داشته است (Cole & et al., 2011; Bariola & et al., 2011). این نویسندگان همچنین بیان می‌کنند که فرایندهای شناخت و تنظیم هیجان مستقل هستند. در مقابل کامپوس<sup>۱</sup> و همکاران (2004) مدل یک عامل را ارائه کرده و بیان می‌کند که هیجان و تنظیم هیجان همزمان رخ می‌دهد. هنگامی که هیجان رفتار را کنترل می‌کند، همان موقع نیز کنترل می‌شوند. در مقابل این دو دیدگاه، کاگان<sup>۲</sup> (1994) تذکر داده است که به علت نقص دانش ما از هیجان‌ها، نمی‌توانیم هیجان را از تنظیم هیجان جدا کنیم (Bariola & et al., 2011). تنظیم هیجان و زورگویی: بخش قابل توجهی از تحقیقات در زمینه فرایندهای هیجانی و قربانی شدن پیشنهاد می‌کنند که کودکانی که به طور مکرر قربانی زورگویی می‌شوند شیوه تنظیم هیجان‌شان نسبت به کودکان غیر قربانی به شیوه کمتر انطباقی است (Champion & Clay, 2007). دیدگاه‌های کارکردی اخیر تأکید دارند که هیجان‌ها نقش‌های مهمی را مثل آمادگی برای پاسخ‌های رفتاری ضروری فراهم کردن تصمیم‌گیری، تقویت حافظه، رخدادهای مهم و تسهیل تعاملات بین فردی ایفا می‌کند. ولی

خانوادگی محسوس می‌شود و از مصادیقی است که به کارکرد خانواده و جامعه خلل وارد می‌کند و صدمات مالی و جانی و روانی را پدید می‌آورد. بر این اساس، این پژوهش به مقایسه بین شیوه‌های فرزندپروری و دشواری در تنظیم هیجان با تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم می‌پردازد.

## اهداف پژوهش

### اهداف اصلی

مقایسه سبک‌های فرزندپروری، دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم.

### اهداف فرعی

مقایسه سبک فرزندپروری مقتدرانه با دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم.

مقایسه سبک فرزند پروری مستبدانه با دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم.

مقایسه سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه با دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم.

### مبانی نظری پژوهش

دوران جوانی به معنای عام مرحله گذرا از کودکی به میان‌سالی است و به دوره نوجوانی و جوانی به معنای خاص تقسیم می‌شود. اگر چه در شرایط کنونی کشور، صحبت از جوانی به میان‌سالی می‌شود؛ اما توسعه گذرا و توسعه نامتقارن، همچنان بستر زایش آسیب‌های متنوع اجتماعی مطرح است؛ در چنین شرایطی توجه به مسائل جوانان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا بخشی از منابع انسانی توسعه به واسطه کاهش سهم جوانان در هرم جمعیتی کشور به تعامل رفته و بخشی دیگر نیز احتمالاً تحت تأثیر گسترش آسیب‌های اجتماعی تقلیل می‌رود. از سوی دیگر، کاهش کمی جوانان هیچ‌گاه به معنی خارج شدن آن‌ها از قانون توجه نیست و دال بر کاهش مسائل و آسیب‌های آن‌ها نیست. به

<sup>1</sup> kampos

<sup>2</sup> Cagan

شکل‌گیری شخصیت بر طبق مراحل و بر اساس رشد بدنی که تعیین‌کننده کثرت فرد نسبت به جهان خارجی و هشیار شدن وی نسبت به آن است تحقق می‌پذیرد. بر اساس مراحل ۸ گانه روانی اجتماعی اریکسون، اهداف و سبک‌های فرزندپروری والدین در مراحل مختلف رشد تغییر می‌کند (هترینگتون، ۱۹۷۸؛ به نقل از: اسلمی، ۱۳۸۵) بنابر نظریه تحول روانی اجتماعی اریکسون، شکل‌گیری شخصیت بر طبق مراحل و بر اساس رشد بدنی که تعیین‌کننده کثرت فرد نسبت به جهان خارجی و هشیار شدن وی نسبت به آن است تحقق می‌پذیرد. در مرحله اول رشد روانی اجتماعی اریکسون که اعتماد در برابر عدم اعتماد است و از تولد تا ۱۸ ماهگی را شامل می‌شود، هدف اصلی فرزندپروری در این مرحله پاسخگویی به نیازهای فرزند است. هدف اصلی فرزندپروری برای کودکانی که در سنین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی به سر می‌برند و در مرحله خود مختاری در برابر شرم و تردید هستند، کنترل رفتار فرزندان است. برای کودک ۳ تا ۵ ساله که در مرحله ابتکار در برابر احساس گناه به سر می‌برد، هدف عمده فرزندپروری باید پرورش خود گردانی است (هترینگتون، ۱۹۷۸؛ به نقل از: اسلمی، ۱۳۸۵). مرحله چهارم که اریکسون این مرحله را کارایی در برابر احساس حقارت نامیده است و کودکان ۵ تا ۱۱ ساله را در بر می‌گیرد، هدف اصلی فرزندپروری ترقی دادن و پیشرفت کودک است. در مرحله پنجم که دوران نوجوانی است (۱۱-۱۳ سالگی) و مرحله هویت در برابر پراکندگی است، هدف اصلی فرزندپروری تشویق به استقلال و حمایت‌های عاطفی است (هترینگتون، ۱۹۷۸؛ به نقل از: اسلمی، ۱۳۸۵).

#### پیشینه پژوهش

پژوهش حسینی دولت‌آبادی و همکاران در سال (۱۳۹۲)، در خصوص رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به جرم جوانان نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری اقتدار منطقی با نگرش منفی به جرم ارتباط معناداری وجود دارد، همچنین بین سبک‌های فرزندپروری

متأسفانه در مورد طبیعت هیجان اتفاق نظر وجود دارد (Gross, 2007). بافت محیطی در تعامل عوامل محافظتی با خطر و فرایندهای حوزه‌های مؤثر افراد از قبیل خانواده، فرهنگ و همسالان دخالت دارد. محیط و فرایندهای تعامل افراد شامل تعامل بین فردی و محیط بیرونی است. ویژگی‌های افراد، شامل همه ظرفیت‌های شناختی، رفتاری، عاطفی و درونی افراد است. پیامدهای مثبت یا سازگاری موفقیت‌آمیز در تکالیف رشدی خاص در سازگاری با تکالیف رشدی بعدی کمک می‌کند (Kampfer, 1999). رویکرد اصل سلامتی (سالیوتو ژنتیک) به تاب‌آوری، آرون آلتو نوسکی نظریه سالیوتو ژنتیک را حدود بیست سال پیش با تمرکز بر اهمیت رشد تعیین‌کننده سلامتی و تأکید بر این که چگونه سلامتی به وجود می‌آید به جای تمرکز بر بیماری، مطرح کرد. مدل سایکوتوژنتیک، مفهوم مواجهه با خطر را به عنوان شرط لازم برای بر چسپ (تاب‌آوری) را نادیده می‌گیرد و به جای آن به کشورهایی تأکید می‌کند که در سلامتی و بهزیستی نقش دارند. به عبارتی، مدل سالیوتوژنتیک تأکید را بر شناسایی منابع سازگاری می‌گذارد که احتمالاً در تاب‌آوری و سازگاری مؤثر نقش دارند نه ایستادگی در برابر مشکلات و خطر (San & Steward, 2007).

گارمزی و همکارانش (1991)، به عنوان یک پژوهش در زمینه تاب‌آوری عوامل مرتبط به تاب‌آوری (مثلث تاب‌آوری) را، عبارتند از: ۱- عوامل فردی (خلق و خو، مهارت‌های شناختی)؛ ۲- عوامل خانوادگی (گرمی، انسجام، مراقبت) و ۳- عوامل حمایتی (مراقبت معلم و ...) می‌داند. علی‌رغم این که از نظر تاریخی، پژوهش‌های پیش‌گیرانه و تدوین مداخلات، معطوف به رفتارهای مشکل‌آفرین (عوامل خطرزا) و جمعیت‌های پر خطر بوده است، اما از حدود دو دهه قبل، با تغییرات این رویکرد، مفهوم تاب‌آوری در حوزه روان‌شناسی تحولی، توجهی روز افزون کسب کرده است (Cicchetti & Garnezy, 1993؛ به نقل از کرد میرزا نیکوزاده، ۱۳۸۸). نظریه اریکسون بنابر نظریه تحول روانی اجتماعی اریکسون،

روان‌ضروری به نظر می‌رسد، یافته قابل توجه پژوهش حاضر نقش مهم تاب‌آوری در بروز اختلالات روانی زندانیان است. زارعی (۱۳۸۳) در تحقیقی نشان داد که سخت‌گیری والدین بر خشونت دانش‌آموزان به صورت غیر مستقیم و از طریق متغیرهای میانی بر خشونت مؤثر بوده‌اند.

در پژوهشی که توسط آلدن<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، با عنوان ارتباط سبک‌های فرزندپروری و تاب‌آوری در جوانان مجرم انجام داد در بین ۳۶۰ نفر از افراد انگلیسی در فاصله سنی ۱۷ سال به بالا نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی کننده میزان تاب‌آوری در جوانان مرد و زن هستند.

در یک مطالعه طولی در آفریقای جنوبی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ توسط ثورن<sup>۲</sup> و ثورن انجام شد، نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری و محیط‌های خانوادگی عوامل مؤثری در شکل‌گیری میزان تاب‌آوری جوانان در افراد هستند به طوری که سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بین خوبی برای میزان تاب‌آوری افراد است.

در پژوهشی که انگلر و همکاران (۲۰۰۴) در خصوص اهمیت شیوه‌های فرزندپروری و خطر ابتلا به جرم و تاب‌آوری در افراد پرداختند، نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری نامناسب خطر ارتکاب جرم را در افراد افزایش می‌دهد، همچنین بین سبک‌های فرزندپروری و میزان تاب‌آوری در افراد ارتباط معناداری وجود دارد.

#### فرضیه‌های پژوهش

##### فرضیه اصلی

بین سبک‌های فرزندپروری، دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم تفاوت وجود دارد.

##### فرضیات فرعی

بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم تفاوت وجود دارد.

استبدادی و سهل‌گیرانه با نگرش مثبت به جرم رابطه مثبت معنادار وجود دارد، در واقع زمانی که والدین از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند، فرزندان آن‌ها نیز نسبت به جرم نگرش منفی پیدا می‌کنند و زمانی که والدین از سبک‌های فرزندپروری استبدادی و یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، فرزندان آن‌ها به احتمال بیشتری به جرم نگرش مثبت پیدا می‌کنند.

در تحقیقی با عنوان «شیوه‌های تربیتی والدین و تاب‌آوری» که در سال (۱۳۸۴) توسط ذاکری و همکاران به انجام رسید، محققان به این نتیجه رسیدند که یکی از فاکتورهای مؤثر در ایجاد و رشد تاب‌آوری کودکان و نوجوانان، روش‌های رابطه والدین با فرزندان است. این روش‌ها شامل روش کودک (فرزند سالاری) و حمایت‌گرایانه (دموکراسی) و صمیمیت در رابطه با فرزندان است.

عباس ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «راهبردهای تنظیم هیجان در گرایش جوانان به جرم دارای واکنش‌پذیری بالا و پایین» نتایج پژوهش نشان داد جوانانی که گرایش به جرم دارند دارای واکنش‌پذیری بالا، راهبردهای تنظیم هیجان منفی‌تری دارند. همچنین با توجه به نتایج حاصل می‌توان بیان کرد که کنش‌پذیری بالا، بیشتر ناشی از نارسایی‌های شناختی و راهبردهای هیجانی منفی است و در نهایت به گرایش زیادتر جوانان به سوی جرم منجر می‌شود.

پژوهشی توسط آلبو کردی (۱۳۹۱) با عنوان «رابطه تاب‌آوری و اختلالات روانی در جوانان مجرم زندان مرکزی شیراز» این پژوهش با هدف تعیین شیوع اختلالات روانی و بررسی رابطه تاب‌آوری و اختلالات روانی در زندانیان مرد انجام گرفته است که در زندان عادل شهر شیراز انجام گرفته است، نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده شیوع بالای نشانگان بیماری‌های روانی و تاب‌آوری پایین در زندانیان بود. یافته‌های این پژوهش ضرورت ارائه خدمات روانی اجتماعی به زندانیان را خاطر نشان می‌سازد. همچنین توجه به تاب‌آوری به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز بروز بیماری‌های

<sup>1</sup> Aldon

<sup>2</sup> Sum

پشتوانه مفهومی برای این ابزار را فراهم کردند همچنین ضرایب قابل قبولی توسط بوری برای این آزمون گزارش شده است. این ضرایب برای والدین قاطع  $۰/۷۸$ ، والدین مستبد  $۰/۸۹$ ، والدین سهل گیر  $۰/۸۱$  به دست آمده است.

پرسشنامه دشواری در نظم بخشی هیجانی (DERS): این مقیاس توسط گراتز و روئمر (2004) ساخته شده است. این مقیاس از سی و شش گویه تشکیل شده است که نمره‌گذاری گویه‌ها در آن از طریق یک درجه‌بندی لیکرت صورت می‌گیرد، نمرات بالاتر نشان‌دهنده دشواری بیشتر در نظم بخشی هیجان است و از ۶ خرده مقیاس نپذیرفتن پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی دسترسی محدود به راهبردهای نظم بخشی هیجانی و ابهام هیجانی تشکیل شده است. ضریب پایایی کل مقیاس با استفاده از روش‌های هیجانی درونی  $۰/۹۳$  و برای هر کدام از شش زیر مقیاس دشواری هیجان بخشی هیجان ضریب آلفای کرونباخ بیشتر از  $۰/۸۰$  به دست آمده است. در بررسی ساختار عاملی ویژگی روان‌سنجی مقیاس DERS در جمعیت ایرانی که توسط خانزاده و همکاران (۱۳۹۰) روی دانشجویان شیراز صورت گرفت، ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها، بین  $۰/۸۶$  تا  $۰/۸۶$  و ضریب پایایی باز آزمایی پس از یک هفته باز آزمون، بین  $۰/۷۹$  تا  $۰/۹۱$  در نوسان بود.

مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (CD-RIS): مقیاس تاب‌آوری کانر\_دیویدسون CD\_RIS این مقیاس شامل ۲۵ سؤال است و توسط کانر دیویدسون (2003) برای اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید تهیه شده است، کانر\_دیویدسون که سازه تاب‌آوری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از صفر تا چهار می‌سنجد. حداقل نمره تاب‌آوری شرکت‌کنندگان در مقیاس صفر و حداکثر نمره آن‌ها ۱۰۰ است. نتایج مطالعه مقدماتی مربوط به ویژگی روان‌سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تأیید کرده است (Conner & Davidson, 2003). همسانی درونی، پایایی باز‌آزمایی و روایی

بین سبک فرزندپروری مستبدانه با دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم تفاوت وجود دارد. بین سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه با دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم تفاوت وجود دارد.

## روش‌شناسی

بر اساس هدف پژوهش حاضر، مبنی بر مقایسه سبک‌های فرزندپروری و دشواری در تنظیم هیجان با تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم، روش پژوهشی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زندانیان محکوم به جرایم عمومی و کلیه جوانان عادی شهر ایلام بودند، که تعداد ۲۸۰ نفر (از هر گروه ۱۴۰ نفر) به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد.

## ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه اقتدار والدین (paQ): این پرسشنامه ۳۰ سؤالی است که ادراکات بازنگرانه نوجوانان و جوانان از سبک فرزندپروری اعمال شده توسط والدین‌شان را می‌سنجد (Buri, 1991). این پرسشنامه به طور نظری در سنخ‌شناسی سبک فرزندپروری بامریند (1987) مبتنی است و این پرسشنامه دارای یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت است که برای پاسخ‌های کاملاً مخالفم نمره ۱ و برای پاسخ‌های کاملاً موافقم نمره ۵ به دست آمده است (Buri, 1991). هر سبک شامل ده سؤال است. برای روایی سازه ابتدا توسط محققان توضیحات بامریند درباره هر سبک فرزندپروری به عنوان راهنمای نظری برای آزمون ۴۸ سؤالی اصلی پرسشنامه اقتدار والدین استخراج شد و در نهایت ۳۶ سؤال از ۴۸ سؤال به عنوان نماینده سازه‌های بامریند از لحاظ نظری شناخته شدند و از این سؤال ۳۶ سؤال ۳ سؤال برای فرم نهایی این پرسشنامه (هر سه سبک ۱۰ سؤال) انتخاب شدند (بوری و همکاران، ۱۹۹۸) به نقل از بقایان، (۱۳۹۰). برای بررسی روایی ملاکی این پرسشنامه نیز با مقیاس مهرورزی والدین مقایسه شده است استنتاج حاصله

شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی است. همچنین به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از تحلیل واریانس چند متغیر (MANOVA) استفاده شد.

#### یافته‌ها

#### آمار توصیفی

همگرا و واگرا به مقیاس کافی گزارش شده‌اند. در پژوهش سامانی و همکاران پایایی این مقیاس را ۰/۹۳ گزارش کردند. در تحقیقی که محمدی (۱۳۸۴) انجام داد پایایی این ابزار را ۰/۸۹ و برای تعیین روایی این مقیاس نخست همبستگی هر نمره با نمره کل به جز گویه ۳، سنجیده شد که ضریب‌ها بین ۰/۴۱ و ۰/۶۴ گزارش شده است.

روش تجزیه و تحلیل: یافته‌های توصیفی این پژوهش

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در دو گروه مجرم و غیر مجرم.

گروه‌ها	شاخص‌های آماری	اقتدارگرایانه	سهل‌گیرانه	مستبدانه	تنظیم هیجان	تاب‌آوری
مجرم	میانگین	۳۸۲۵	۱۰۵۲۷	۳۳۳۷	۸۷۹۵	۶۲۴۷
	انحراف معیار	۴/۵۶	۴/۸۵	۴/۵۴	۱۶/۸۲	۱۹/۶۹
	تعداد	۴۰۱	۱۳۹	۱۳۹	۴۰۱	۱۳۹
غیر مجرم	میانگین	۴۹۳۳	۵۱۳۶	۱۸۲۴	۷۲۸۵	۷۸۵۸
	انحراف معیار	۵/۲۱	۶/۲۵	۷/۵۷	۱۸/۰۵	۱۵/۱۱
	تعداد	۱۴۰	۱۳۹	۱۳۹	۱۴۰	۱۳۹

بیشتری داشت. میانگین و انحراف معیار دشواری در تنظیم هیجان در گروه مجرم ۹۵,۸۷ و ۱۶,۸۲ و در گروه غیر مجرم ۸۵,۷۲ و ۱۸,۰۵ شد. میانگین گروه مجرم بیشتر از غیر مجرم است. میانگین و انحراف معیار متغیر تاب‌آوری در گروه مجرم ۴۷,۶۲ و ۱۹,۶۹ و در گروه غیر مجرم ۵۸,۷۸ و ۱۵,۱۱ شد. میانگین گروه غیر مجرم بیشتر از گروه مجرم بود.

#### آمار استنباطی

نتایج جدول نشان داد که میانگین و انحراف معیار سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه به ترتیب در گروه مجرم ۲۵,۳۸ و ۴,۵۶ شد و در گروه غیر مجرم ۳۳,۴۹ و ۵,۲۱ شد. میانگین و انحراف معیار سبک فرزندپروری مستبدانه در گروه مجرم ۳۷,۳۳ و ۴,۵۴ شد و در گروه غیر مجرم ۲۴,۱۸ و ۷,۵۷ شد. میانگین و انحراف معیار سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در گروه مجرم ۲۷,۰۵ و ۴,۸۵ و در گروه غیر مجرم ۳۶,۵۱ و ۶,۲۵ شد. میانگین گروه غیر مجرم در سبک‌های فرزندپروری اقتدارگرایانه و سهل‌گیرانه بیشتر از گروه مجرم است ولی میانگین گروه مجرم در سبک فرزندپروری مستبدانه میانگین

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس چند متغیره بر روی نمره‌های متغیرهای وابسته در دو گروه مجرم و غیر مجرم

نام آزمون	مقدار	فرضیه درجه آزادی	خطای درجه آزادی	F	سطح معناداری
آزمون_اثر پیلایی	۰/۰۸۲	۵	۲۷۳	۴/۸۵۴	۰/۰۰۱
آزمون لامبدای ویلکس	۰/۹۱۸	۵	۲۷۳	۴/۸۵۴	۰/۰۰۱
آزمون_اثر هتلینگ	۰/۰۸۹	۵	۲۷۳	۴/۸۵۴	۰/۰۰۱
آزمون بزرگ‌ترین ریشه	۰/۰۸۹	۵	۲۷۳	۴/۸۵۴	۰/۰۰۱

وابسته تفاوت معنادار دارند؛ یعنی اثر مجرم یا مجرم نبودن بر روی ترکیب خطی متغیرهای پژوهش معنی‌دار است.

همان طور که جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان می‌دهد دو گروه مجرم و غیر مجرم با سطح معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ ( $p < 0.01$ ) حداقل در یکی از متغیرهای

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس تک متغیری بر روی نمرات متغیرهای وابسته در دو گروه مجرم و غیر مجرم

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
اقتدار گرایانه	۳۸/۸۰۹	۱	۳۸/۸۰۹	۳/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۹	۰/۹۲
سهل گیرانه	۸۲/۲۳۴	۱	۸۲/۲۳۴	۴/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۷۱	۰/۹۵
مستبدانه	۱۲۲/۰۸۶	۱	۱۲۲/۰۸۶	۴/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	۰/۹۸
تنظیم هیجان	۱۲۲۰/۵۸۶	۱	۱۲۲۰/۵۸۶	۴/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۷۳	۰/۹۷
تاب آوری	۷۱۷۱/۷۴	۱	۷۱۷۱/۷۴	۲۳/۲۸۰	۰/۰۰۱	۰/۰۷۸	۰/۹۹

می‌کنند. از سویی باید متمرکز شد که روابط والدین و فرزندان، نظام شبکه‌ای در هم پیچیده‌ای است که در اثر کنش متقابل شکل می‌گیرد و از طریق روش‌های تربیتی روی فرزندان تأثیر می‌گذارد (شریعتمداری، ۱۳۸۸). این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش صورت گرفته از سوی ابوالقاسمی (۱۳۸۹) در خصوص تنظیم هیجان و گرایش جوانان به سمت جرم نتایج نشان داد، که بین واکنش‌پذیری بالا و تنظیم هیجان منفی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در پژوهش آلدن (2009)، در خصوص سبک‌های فرزندپروری و تاب‌آوری در جوانان مجرم نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی کننده میزان تاب‌آوری در جوانان مرد و زن هستند. زارعی (۱۳۸۳) در تحقیقی نشان داد که سخت‌گیری والدین بر میزان گرایش جوانان به جرم به صورت غیر مستقیم و از طریق متغیرهای میانی بر جرم مؤثر بوده‌اند. نتایج این پژوهش با پژوهش زارعی (۱۳۹۳)، آلدن (2009)، دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) همخوان است، از آنجایی که توانایی فرد در کنترل هیجانات یکی از مهم‌ترین قابلیت‌هاست که باید آموخته شود، عدم تنظیم هیجان باعث می‌شود که احساسات فرد بر عقل و منطقش غلبه نداشته است و فرد در موقعیت‌های مختلف تنها با تکیه بر جو احساسی محیط و

نتایج جدول نشان می‌دهد، بین دو گروه مجرم و غیر مجرم در سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه با  $F_{(1/277)}=3/95$  و سطح معناداری  $0.001 (P < 0.01)$  تفاوت معنادار وجود دارد. و در سبک فرزندپروری مستبدانه بین دو گروه با  $F_{(1/277)}=4/14$  و سطح معناداری  $0.001 (P < 0.01)$  تفاوت معنادار وجود دارد. و همچنین در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بین دو گروه با  $F_{(1/277)}=4/02$  و سطح معناداری  $0.001 (P < 0.01)$  تفاوت معنادار وجود دارد. و همچنین در متغیر دشواری در تنظیم هیجان با  $F_{(1/277)}=4/013$  و سطح معناداری  $0.001 (P < 0.01)$  بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین بین دو گروه در متغیر تاب‌آوری با  $F_{(1/277)}=23/280$  و سطح معناداری  $0.001 (P < 0.01)$  تفاوت معنادار وجود دارد.

#### بحث و نتیجه

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری، دشواری در تنظیم هیجان و تاب‌آوری در جوانان مجرم و غیر مجرم تفاوت معناداری وجود دارد. می‌توان این‌گونه بیان کرد که با توجه به این‌که مجموعه تعامل‌ها و روابط و تجربیاتی که اعضای خانواده با یکدیگر دارند فضای روانی حاکم بر خانواده را رقم زده و واکنش‌های متناسب با این فضا را تعیین



بدون توجه به راه‌حل‌های منطقی ممکن تصمیم‌گیری کند و به تبع آن دچار مسائل و مشکلاتی شود که از جمله آن‌ها پدیده جرم است. کسانی که توانایی بیشتری در کنترل و تنظیم هیجان خود داشته‌اند این افراد توانایی بیشتری در کنترل هیجانات خود در هنگام برخورد با موقعیت‌های هیجان برانگیز دارند و در نتیجه می‌توان گفت این افراد کمتر دچار جرم می‌شوند و در مقابل افرادی که توانایی کمتری در کنترل هیجانات خود دارند این افراد بیشتر به سمت کارهای پر خطر و جرم می‌روند پس هیجان به خودی خود نمی‌تواند باعث جرم شود بلکه بستگی به فرد دارد که تا چه اندازه توانایی لازم را دارد. و از آنجایی که خانواده اولین کانونی است که جوانان در آن‌جا نحوه تنظیم هیجانات و روابط بین فردی را تجربه می‌کنند پس خانواده می‌تواند در رفتارها و تنظیم هیجانات و منحرف شدن آن‌ها تأثیرگذار هستند. با توجه به این‌که خانواده نهادی مؤثر در رشد و تربیت کودک است شیوه مؤثر تربیتی که از جانب والدین اعمال می‌شود در نتیجه بسیاری از کودکان و نوجوانان فرایند رشد خود خصوصیات نامطلوبی را کسب می‌کنند و از داشتن اعتماد به نفس و احساس امنیت دور می‌مانند و افراد مضطرب، پرخاشگر ناسازگار و افسرده می‌گردند. ناتوانی در تنظیم هیجان، مکانیزم زیربنایی اختلال‌های خلقی و اضطرابی است که به تبع آن می‌تواند موجب ارتکاب به جرم در افراد شود. علاوه بر این هر چند برخی از ویژگی‌های مرتبط با تاب‌آوری به صورت زیستی و ژنتیکی تعیین می‌شوند، اما مهارت مربوط به تاب‌آوری را می‌توان یاد داد و تقویت نمود. خانواده و مدرسه می‌توانند راهکارهایی را پدید آورند که فاکتورهای محافظ را بیشتر کنند و تاب‌آوری را افزایش دهند. با فراهم آوردن محیطی که به اندازه کافی تسهیل‌کننده است، افراد توانایی تغییر سازنده و رشد حداقل برخی از خصوصیات تاب‌آوری را در زندگیشان کسب خواهند کرد. به طور کلی با توجه به این‌که جرم پدیده‌ای اجتماعی است و افراد مجرم در میزان جامعه‌پذیری خود دچار مسائل و مشکلات فراوانی شده‌اند

بنابراین می‌توان گفت خانواده به عنوان اولین نهاد در شکل‌گیری میزان جامعه‌پذیری افراد می‌تواند نقش مؤثری در ارتکاب یا عدم ارتکاب به جرم توسط فرزندان داشته است و تاب‌آوری یکی از عواملی است که باعث باید در قشر جوان تقویت شود تا به هنگام قرار گرفتن در موقعیت خطرناک بتواند بهترین تصمیم را بگیرد و بتواند یا موقعیت‌های ناخوشایند به جای مقاومت و تحمل شرایط به نحو خوشایندی سازگار شود و همچنین تنظیم هیجان هم یکی دیگر از راه‌هایی است که فرد در صورت کنترل به موقع آن می‌تواند به راحتی در شرایط و موقعیت‌های خطرناک تصمیم درست بگیرد و خود را در دام رفتارهای خطرناکی چون جرم قرار ندهد پس افراد از جمله جوانان جزء گروهی از جامعه هستند که باید هم از تاب‌آوری لازم برخوردارند و هم دارای تنظیم هیجان بالایی هستند تا بتوانند به خوبی از پس شرایط خطرناک بر آیند و کمتر به سمت رفتارهای پر خطر از جمله جرم‌گرایش پیدا کنند در صورتی که جوانان جامعه‌ای از توانایی‌های لازم برخوردارند در این صورت می‌توان گفت که یک خانواده سالم و یک جامعه سالم وجود دارد که می‌تواند زیر بنای سرمایه‌های لازم برای پیشرفت یک کشور است.

#### منابع

- ابولقاسمی، ع؛ اله قلی پور، ک؛ نریمانی، م. و زاهد، ع. (۱۳۸۹). «راهبردهای تنظیم هیجان در سوی مصرف‌کنندگان مواد دارای واکنش‌پذیری بالا و پایین»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، دوره بیستم، ش ۷۷، ص ۲۴.
- آلبوکردی، س؛ نیکو سیر جهرمی، م؛ حسینی، س. و نیکرو، م. (۱۳۹۰). «رابطه تاب‌آوری اختلالات روانی در جوانان مجرم زندان مرکز شیراز»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، دوره هفدهم، ش ۱۴۲، ص ۱۶.

- اسلمی، ا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سازگاری زناشویی و سبک فرزندپروری والدین با سلامت عمومی فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ایار، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم. مطالعه تجربی جوانان عادی و مجرم شهر ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- بقاییان، ف. (۱۳۹۰). «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا»، فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ش ۴۵، ص ۳۶۷-۳۸۵.
- پاپالیا، د. (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد و تحول انسان، ترجمه: داوود قهستانی، هامایاک اودادیس یانس، حمیدرضا سهرابی، فروزنده داور پناه و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- حسینی دولت‌آبادی، س. و قاسمی جوینه، ر. (۱۳۹۲). «رابطه بین فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش جوانان به جرم»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهاردهم، شماره دوم، ص ۶۷-۸۸.
- خانزاده، م.؛ سعیدیان، م.؛ حسین چاری، م. ادریسی، ف. (۱۳۹۰). «ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دشواری در نظم بخشی هیجانی»، مجله علوم رفتاری، دوره ۶، ش ۱، ص ۸۷-۹۶.
- ذاکری، ح. و جوکار، ب. و رزمی، م. (۱۳۸۴). «شیوه‌های فرزندپروری والدین و تاب‌آوری»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال هفتم، ش ۲، ص؟
- زارعی، ر. (۱۳۸۳). سخت‌گیری والدین بر خشونت دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۸۸). روان‌شناسی تربیتی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عبداللهی، ق. و موسوی، م. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده»، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، شه ۲۵، ص ۱۹۵-۲۳۴.
- کردمیرزا، ع. (۱۳۸۸). الگویابی زیستی-روانی-معنوی در افراد وابسته به مواد و تدوین برنامه مداخله‌ای برای ارتقاء تاب‌آوری مبتنی بر روایت‌شناختی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، پایان‌نامه دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Alden, B. (2009) The Relationship between Perceived Parenting Styles and Resilience During Adolescence, *Journal of Child Adolescent Mental Health*, 17:167-187.
- Angler, A. (2004) Investigate the Relationship between Parenting Style and Resilience in People Exposed to Crime, *American Journal of Community Psychology*, 36: 23-37.
- Bonanno, A.G. (2004) Loss; Treatment; and Human Resilience *American Psychologist*, 59: 20.
- Baumrind, D. (1991) *Effective parenting during the early adolescent transition* In P.A.Cowan & E.M.Hetherington (Eds). *Family transition* Millsdale J: Erlbaum. (vol. 2, p.111-163).
- Baumrind, D. (1991) The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence an Substance Abuse, *Journal of Early Adolescence*, 11: 56-95.
- Bariola, E. Gallone, E. & K. Hughes, E. (2011) Child and Adolescent Emotion Regulation: the Role of Parental Emotion Regulation and Expression, *Clin Child Fam Psycho Rev*, 14:198-212.
- Buri, J.R. (1991) Parental Authority Questionality Questionnaire, *Journal of Personality Assessment*, 57(1):110-119.
- Cicchetti, D. & Garmezy, N. (1993) Prospects and Promises in the Study of Resilience, *Development and Psychopathology*, 5:497-502.
- Cole, M. Bariola, E.S. (2011) Child and Adolescent Emotion Regulation: the Role of Parental

- Emotion Regulation and Expression . *Clin Child Fam Psycho Rev*, 18:19-3.
- Conner, L. & Davidson, M. (2003) An for Resilience Construct , *Personality & Individual Differences*, 35: 53-41.
- Champion, K. & Clay, D. (2007) Individual Differences in Responses to Provocation and Freguent Vietimization Bypeers *Child Psychology*, 37:205-220.
- Gratz, S.A. and Romer, J.V. (2004) Emotion Skills and Marital Health:The Association between Observed and Self Reported Emotion Skills, Intimacy and Marital Satisfaction , *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26(9):983-100.
- Gross, J.J. (2007) *Handbook of Emotion Regulation*, New York: Guilford Press. Individual Differences, 30, 1311- 1327.
- Kagan, R. (1994) Emotional Regulation:A Theme in Search for Definition , *J Society-Research in Child Dev*, (59): 25-52.
- Kampfer, L. (1999) *The biopsychosocial model: application to the addiction field*, educational publishing Fundation, 1089-2680.
- San, S. Asteward, D. (2007) Development of Population Based Resilience Measouresin the Primary School Setting , *Jornal of Child Development*, 71:543-562.
- Vimz, B. Pina, W. (2010) The Assessment of: Improving Construct Validity in Research on Psychopathology in Youth Emotion *Journal of Psychological Behavior Assessment Regulation*, 10(1):169-178.
- Valer, F. (2001) *Substance abuse in students and prevention methods*, Retrieved July 2, 2002, from <http://www.sapto.hbi.ir/p-1.htm>.



